اتفاقی مهم برای تئاتراستان

«خون مردگی» به تاجیکستان می رود

مرتضوی- در یک اتفاق مهم برای تئاتر استان، اثر نمایشی «خون مردگی» از خراسان شمالی به عنوان تنها نماینده ایران، به ششمین جشنواره بین المللی تئاتر جوان «نگاه نو» در تاجیکستان راه یافت.به گزارش خبرنگار ما، اثر نمایشی «خون مردگی» به کارگردانی «محمد شاکری» موفق شد تا در بین آثار شرکت کننده از ایران در این جشنواره به مرحله رقابتی راه پیدا کند.این گزارش حاکی است، رقابت ها در ششمین جشنواره بین المللی تئاتر جوان «نگاه نو» در تاجیکستان از بیست و پنجم ماه جاری آغاز می

شود.بر اساس این گزارش، در این جشنواره آثاری از کشورهای روسیه، گرجستان و تاجیکستان با یکدیگر به رقابت می پردازند و نمایش «خون مردگی» به عنوان تنها نماینده از ایران در این دوره از جشنواره حضور دارد که با ۸ اثر نمایشی رقابت خواهد کرد.گزارش خبرنگار ما حاکی است،در نمایش «خون مردگی»،«حکمت شیردل»،«راضیه بدرانلویی»، «آزاده حیدرزاده»،«یاسمین رحمانی» و «احسان کمالی» به ایفای نقش می پردازند و «مهران رحمانی» دستار کارگردان خواهد بود. این نمایش روز چهارشنبه در شهر دوشنبه و در ۲ سانس به روی صحنه خواهد رفت.

قاصدک

مراسمی برای بزرگداشت فردوسی

مراسم روز بزرگداشت فردوسی برگزار می شود. معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی در گفت و گو با خبرنگار ما با بیان این که این اداره کل به منظور فعال سازی انجمن ها و ایجاد شور و نشاط و تقویت بنیاد علمی شاعران و آشنایی شاعران با مفاخر ملی و بزرگان شعر و ادبیات فارسی این مراسم را در شهرستان های شیروان و بجنورد برگزار می کند، گفت: هم زمان با روز بزرگداشت فردوسی مجتمع فرهنگی و هنری شیروان میزبان شاعران و علاقه مندان است تا درباره فردوسی بیشتر بدانند.«رضایی» افزود: سه شنبه نیز نگارخانه بجنورد میزبان شاعران بجنوردی است و قرار است تا راز ماندگاری شاهنامه فردوسی از نگاه یکی از اساتید دانشگاه تشریح شود.

امثال الحکم

بات مانَک آرت چَند فطیر؟ ژ نانوا پِرسکَه

گروه ادب و هنر- ادبیات فارسی سرشار از مثل ها و اصطلاحاتی است که بر غنای آن افزوده است، به تبع آن ادبیات عامه نیز آیینه ای از فرهنگ قومیت هاست که پرداختن به آن اندیشه ها و تجربیات گذشتگان و دانش ها و حکمت های آن ها را به ما منتقل می کند. در این شماره به یکی از ضرب المثل های رایج در قوم کرمانج از زبان «فرامرز نورمحمدزاده» می پردازیم. وی با بیان این که ضرب المثل« بات مانَک آرت چَند فطیر؟ ژ نانوا پِرسکَه» به معنای این است که « از نانوا بپرس یکَ من آرد، چند فطیر می شود»، می گوید: این ضرب المثل برای توصیه به افرادی به کار می رود که به سراغ کاردان نمی روند و در واقع می گوید که سوال را باید از اهلش پرسید.

ناگفته های انجمن های تجسمی

کمبودهای مجسم

گروه ادب و هنر

اساس نامه دارند اما خود بی خبرند؛ فعالیت می کنند اما دیده نمی شوند. تشنه آموزش اند، اما از آن بی بهره اند. این ها تنها بخشی از ناگفته های هنرمندانی است که قدم در وادی هنر گذاشته اند و چند سالی است که سکان هنر را در شهرستانها در دست گرفته اند. به اعتقاد آن ها با این که انجمن های هنری فعالیت های این حوزه را سامان می دهند و بستری هستند برای این که هنرمندان با یکدیگر تعامل داشته باشند و از تجربیات یکدیگر بهره ببرند اما هنوز هستند شهرستان هایی که حتی از این فضا بی بهره اند و انجمن هایی هم که بدون هیچ چشمداشتی فعالیت می کنند با تکیه بر همت اعضا صحنه را خالی نکردند.

با این همه بارقه های امید در راه است و به گفته مسئولان برای رسیدن به نقطه مطلوب نیاز است تا هر یک از هنرمندان قدمی بردارند؛ زیرا اتفاق های تازه ای در راه است و تا رسیدن به شکوفایی تنها یک قدم باقی است.

با این که ۵، ۶ سال است که عهده دار مسئولیت انجمن تجسمی مانه و سملقان است و فعالیت های انجمن را منوط به رونق فضای هنری می داند، از نبود تعامل میان انجمن های هنری انتقاد می کند و می گوید: در مرکز استان هر از گاهی با دعوت از اساتیدی کارگاه های آموزشی برگزار و یا آثار آن ها به نمایش گذاشته می شود اما این اتفاق در شهرستان ها کم رنگ است و این گونه نمی توان برای ارتقای هنر گام برداشت.

او از کم رنگ بودن فعالیت های هنری در این شهرستان سخن می گوید و می افزاید: شعر و موسیقی در فریاد است اما هنر تجسمی در سکوت است و هیچ وقت دیده نمی شود.

«محرابی» که به تازگی مسئولیت انجمن تجسمی شیروان را بر عهده گرفته است از خودجوش بودن هنرمندان تجسمی سخن می گوید و می افزاید: هر چند برای انجمن بودجه ای تعریف نشده و امکانات چندانی برای فعالیت نداریم، اما همراهی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد شهرستان انگیزه هنرمندان را برای فعالیت دوچندان کرده و شاهد برگزاری کارگاه های آموزشی و حتی اعزام هنرمندان به کارگاه های آموزشی استان هستیم .

او نداشتن فضای کارگاهی و تجهیز فضای مجتمع فرهنگی و هنری برای نمایش آثار را از دیگر کاستی ها عنوان و تصریح می کند: تعامل با شهرستان ها لازمه شکوفایی فعالان این عرصه است، در حالی که این اتفاق در شیروان منوط به تعامل با دستگاه های مختلف است.

«محرابی» حلقه مفقوده فعالیت های تجسمی را آموزش می داند و از این که هنرمندان تجسمی شیروان از آموزش بی بهره اند ابراز ناخرسندی می کند.یکی دیگر از مسئولان انجمن نبود فضای مناسب و برنامه در کنار نداشتن تعامل میان هنرمندان تجسمی استان را از خلاء های پیش روی فعالان این رشته و انجمن تجسمی عنوان می کند و خواستار برنامه ریزی سالانه برای حوزه تجسمی از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان می شود تا در میان هنرمندان ایجاد انگیزه و آن ها را نسبت به تولید آثار تازه و با کیفیت ترغیب کند.

وی خواستار سرفصل های آموزشی در زمینه تجسمی در استان می شود و وجود اساسنامه را پایه ای برای سر و سامان دادن به وضعیت انجمن ها می داند و بر پرداختن به آن ها تاکید می کند و می افزاید: این در حالی است که بسیاری از انجمن ها از وجود اساسنامه انجمن بی خبرند و سهمی در فعالیت های هنری استان ندارند.

از نگاه این هنرمند که حاضر به درج نام خود نیست، باید انجمن تجسمی استانی فعال شود و هیئت امنا با بهره گیری از ظرفیت هنرمندان شهرستانی شکل بگیرد تا بدین گونه شهرستان ها سهمی در برنامه ریزی ها و تریبونی برای بیان کمبودها و کاستی ها و پیشنهادهای خود داشته باشند.وی خاطرنشان می کند: تا زمانی که انجمن های تجسمی به صورت جزیره ای به فعالیت خود ادامه دهند نمی توان دریاچه هنرهای تجسمی را با حضور هنرمندان مختلف به یکدیگر پیوند داد و آن ها را به اقیانوس متصل کرد تا شاهد شکوفایی این رشته در استان باشیم و از رکودی که در این سال ها در فضاهای تجسمی حاکم است خارج شویم.«عباس ناصری» از دیگر هنرمندانی است که نسبت به دیگر انجمن ها نظری متفاوت دارد و اظهار می دارد: تجسمی هنری نیست که هر روز در استان شاهد اتفاق جدیدی در آن باشیم اما با این وجود اتفاق هایی هم چون جشنواره تجسمی و کاریکاتور را در سال های گذشته داشتیم. از نگاه او هر چند سال ۹۵ کم کار بودیم اما این امر به واسطه برنامه ریزی برای اتفاق های جدید و اساسی در حوزه تجسمی بود و با همکاری و همیاری اداره کل سعی داریم اتفاق های اساسی در این استان رقم بخورد که تاکنون در دیگر استان ها شاهد آن اتفاق ها نبودیم. او از جشن روز گرافیک به عنوان یکی از تصمیم های این حوزه که در ابتدای سال جاری کلید خورد، سخن می گوید و می افزاید: برپایی کارگاه آموزشی در آینده ای نزدیک اتفاق دیگری است که رویکرد متفاوتی با کارگاه های معمول دارد و دامنه آن بیشتر رشته های تجسمی را در برمی گیرد و علاوه بر این که به هنرمند هزینه ورودی کارگاه را خواهیم داد از او برای خرید ابزار مورد نیاز تولید اثر حمایت خواهیم کرد و در نهایت تعداد قابل توجهی از آثار خریداری خواهد شد.

وی ادامه می دهد: طبق بخشنامه و اساس نامه جدید انجمن شاهد اتفاق های جدیدی طی ماه های آینده در این حوزه خواهیم بود و قرار است از هیئت امنای استانی بهره گرفته شود .

وی خاطرنشان می کند: امروز دنیای هنر دنیای ایده هاست و هنرمند باید خود را به اثبات برساند و منتظر حمایت مسئولان نباشد.

> باید انجمن تجسمی استانی فعال شود و هیئت امنا با بهره‌گیری از ظرفیت هنرمندان شهرستانی شکل بگیرد تا بدین گونه شهرستان‌ها سهمی در برنامه‌ریزی‌ها و تریبونی برای بیان کمبودها و کاستی ها و پیشنهادهای خود داشته باشند

داستان

آبله مرغان

پشه با پررویی روی بازویم نشسته است و تکان نمی خورد. اگر نوزاد قورباغه بودم فورا با زبانم پشه پررو را به ته حلق و یا انتهای روده ام وصله می زدم تا حالش جا بیاید. مامان و بابا با دیدن جای نیش پشه ابتدا فکر می کنند آبله مرغان گرفته ام؛ اما با دیدن پشه فورا ماجرا را می فهمند. بابای با غیرتم که خونش به جوش آمده، فورا مثل یک شوالیه قهرمان شمشیر به دست،با مگس کش به جنگ پشه می رود. متاسفانه سرعت عملش در برابر پشه مثل سرعت اینترنت در بعضی روزها می ماند. بابا می خواهد آن را بکشد؛ اما پشه با خنده از دستش در می رود. فکر کنم این دفعه سرعت عمل بابا مثل روزهایی شده که اینترنت کلا قطع است. بابا به جای شمشیربازی با مگس کش می رود برایم پشه بند می آورد.

شب، من راحت خوابیدم؛ اما صبح که شد دیدم انگار خود مامان و بابا آبله مرغان گرفته اند.

مهرداد صدقی

مجموعه «مغز نوشته های یک نوزاد»

بر بال خیال

باور نمی کنم

نیامدنش را باور نمی کنم
غیر ممکن است
او نیامده باشد
حتما، حالا
زیر باران مانده است
و ناامید و خسته
در خیابان ها قدم می زند
من به باز بودن درها...
مشکوکم..

رسول یونان

اتوبوس

کنارت
برایم
کمی جا باز کن
اتوبوس شلوغی است
عشق

مژگان عباسلو